مجله حوزه، شماره 147

**علت رشد خرافه در زمان ما و چگونگى جلوگيرى از آن**

**در گفت وگو با آيت اللّه حاج شيخ محمّد محمّدى رى شهرى**

انقلاب اسلامى ايران، انقلاب معنوى بود، ريشه در سرابُستان وَحى داشت و از چشمه سارانِ وَحى، شادابى و رامِش را به جامِ (جان) خود فرو مى ريخت.  
معمارِ چيره دستِ آن، اين بناى سُترگ، ستوار و سر به آسمان سوده را در دامنه وَحى و رو به آفتاب بلند و هميشه تابان آن بنيان گذارد كه هرآن و دَمادَم از آن گرما و پرتو بگيرد و به مردمانى كه در آن كهف مقدس از (جان) خويش در برابر تيرهاى زهرآگين شياطين پاس مى دارند، گرما بخشد و پرتو بيفشاند.  
هركس در گرماگرم اين انقلابِ روح نواز و رامشگاه (جان)، و در هنگامه هاى گوناگون معنوى كه آفريد، در شعاع آن قرار گرفت و (جان) خود را در برابر آن آفتاب عالم تاب قرار داد، پرتو گرفت، دگرگون شد، راه از بى راه بازشناخت و به چشمه خورشيد رسيد.  
اين شور و نشور معنوى و رستاخيز (جان)ها، بسيارى را برانگيزاند و بپاخيزاند كه (جان) را از جهان ماده برهانند، مگر نسيمى از كوى (جانان) به زواياى (جان)شان بوزد.  
اين موج شگرف، همچنان موج مى آفريند و دامنه معنويت را مى گستراند. در اين هنگامه، بر علماى ربانى روشن ضمير، آگاه و بصير است كه از اين موج بلند كه دَمادَم موج مى آفريند و به پيش مى رود، به درستى، دقيق و دقيقه شناسانه پاس بدارند، تا رهزنان، شيادانِ عارف نما و خرافه پردازان عالم نما، مردمان معنويت خواه را به سوى سرابها نكشانند و در بيغوله ها و تاريك خانه ها سردرگم شان نسازند.  
اين گفت وگويى كه فراروى داريد، از جمله اين نگرانى را مى نماياند. استاد با آشنايى ژرفى كه به گفته هاى گوهرين، راه گشا، بيدارگر و زلال معصومان دارند، سخنان شان گرچه كم و كوتاه، اما بى گمان ان شاءاللّه راه گشا خواهد بود.  
حوزه

حوزه: بسم اللّه الرحمن الرحيم. خرافه، بر اثر عوامل گوناگونى كه پاره اى از آنها پيدا و پاره اى ناپيدا، در جامعه دينى ما بروز و ظهور پيدا كرده و آن به آن بر شاخ و برگ آن افزوده مى شود و بسان پيچك بر ارزشها و باورها مى پيچد و آنها را در خود فرو مى برد كه بسيار نگران كننده است. به نظر حضرت عالى، با اين پديده چگونه بايد رويارو شد و كار از كجا بايد آغاز شود، تا اثرگذار و نتيجه بخش باشد.  
استاد: بسم اللّه الرحمن الرحيم نمى توان فقط از يك جاى خاص شروع كرد و راه هاى ديگر مبارزه با خرافات را رها كنيم. براى مبارزه با خرافات، خصوصاً در عصر حاضر، بايد از همه امكانات آموزشى و فرهنگى و بويژه صدا و سيما بهره گرفت. اما متأسفانه برخى از رسانه ها، خود مروج موهومات و خرافات هستند! يكى از مهم ترين اقدامات، نگارش كتابهاى محكم و متقن در زمينه هاى گوناگون است، تا حدود و ثغور خرافه ها در زمينه هاى مختلف بيش تر معلوم شود. اگر صرفاً به اين كار مشغول شويم و از كار قضايى دست برداريم; مثلاً فعلاً اجازه دهيم رمّالها و جاعلان امامزاده ها به كارشان ادامه دهند، چنين شيوه اى اصلاً درست نيست; زيرا تدوين كتابهاى خوب، زمان فراوان نياز دارند و در اين مدت، خرافه ها چنان نشر خواهند يافت كه به آسانى نمى توان با آنها مبارزه كرد. بنابراين، بايد كارهاى مختلف را با هم انجام داد. يعنى همزمان بايد كتابهاى خوب نوشت; كار قضايى نيز كرد; نرم افزارهاى قابل اعتماد سامان داد; سطح دانش عمومى را بالا برد; متخصص تربيت كرد; كار فرهنگى و اطلاح رسانى از طريق صدا و سيما، مطبوعات، اينترنت و امثال آنها انجام داد و….  
گفتنى است كه يكى از امورى كه سبب ترويج برخى خرافه ها مى شود، مشكلات سخت از جمله مشكلات اقتصادى است. ببينيد بيش تر مشتريان و معتقدان به رمالها، طبقه مستضعف هستند. مشكلات سخت زندگى انسان را به هر راهى مى كشاند. افراد فرهيخته اى را سراغ داريم كه با اين كه اعتقاد به بعضى راهگشاييها ندارند; اما فشار مشكلات، آنها را دست به دامان همين راه ها كرده. يكى از كارهاى اساسى بايد رفع مشكلات مردم باشد.

حوزه: به نظر مى رسد تا معناى دقيق و زوايا و حد و مرز خرافه با حقيقت، روشن نشود، نمى توان به رويارويى با آن برخاست و كارى ثمربخش انجام داد. چون وقتى معناى آن روشن نباشد و اهل فكر و دغدغه مندان مبارزه با آن، يكسان نينديشند، هر كارى و هر تلاشى براى برچيدن بساط خرافه از جامعه، ابتر خواهد ماند. حضرت عالى چه تعريفى و تبيينى از خرافه داريد.  
استاد: خرافه به امورى گفته مى شود كه ريشه در شرع يا عقل ندارد. البته امورى كه تنها منشأ آن شرع است، معقول هم هستند; اما ممكن است در حال حاضر نتوانيم حكمت آن را درك كنيم و در آينده هم نتوانيم. به عبارت ديگر، بسيارى از احكام شرعى فراعقلى هستند، بدين معنى كه فراتر از عقل ما هستند. بنابراين، با پيدا نكردن دليل عقلى برخى از احكام شرعى، نمى توان آنها را بى اساس دانست.

حوزه: به نظر حضرت عالى چه راه هايى بايد پيموده شود و چه تمهيداتى انديشيده شود كه آن جا كه به روشنى خرافه بودن خرافه روشن نيست (مانند خرافه هايى كه در لابه لاى متون دينى و روايى چهره پنهان كرده و ريشه دوانده و شمارى را به دنبال خود كشيده) به همفكرى و وفاقى رسيد؟  
استاد: در درجه اول بايد متون اصلى و كهن شيعه مانند كتب اربعه و پس از آن، كتابهاى پرمراجعه ديگر مانند بحارالانوار، تصحيح دقيق شوند. موسوعه نگارى در موضوعات خاص، گام ديگر است. البته منظور ما از موسوعه اين نيست كه كتابهاى چاق يا چندجلدى نوشته شود، بلكه منظور اين است كه همه جوانب در موضوعى خاص مورد كنكاش قرار گيرد و براى تدوين، همه منابع دم دست و قابل اعتماد، با دقت كاويده شود به گونه اى كه خواننده با مطالعه موسوعه، اطمينان كند كه به آسانى نمى تواند به مطلبى دست يابد كه در اين موسوعه نيامده باشد، يا مورد توجه نويسنده نبوده است. بايد به كارهاى جامع و مرجع نگارى رو بياوريم به شرطى كه همراه دقت باشد.  
مى توان در اين زمينه يك مجله تخصصى راه اندازى كرد و علاوه بر نشان دادن خرافه هاى واضح، يك يك مواردى كه در مورد آنها شك و ترديد وجود دارد، مثل فال حافظ، ارتباط شكسته شدن اشياء با دفع قضا و قدر به بحث گذاشت و با بحث علمى، حدود و ثغورها معلوم شود. حتى در اين مجله مى توان ذكر كرد كه بعضى چيزها را به غلط خرافه مى دانند. مثلاً اصل دعانويسى خرافه نيست; زيرا دعاهاى فراوان سراغ داريم كه ائمه(ع) دستور آنها را داده اند; بلكه كار خيلى از دعانويسها درست نيست.

حوزه: در شيعه، چند پديده، حادثه و باور مهم است كه خرافه پردازان در پيرامون آنها به جولان پرداخته اند و جاعلان و تحريف گران، با تمام توان دست به كار شده و مى شوند تا از اينها دستمايه اى و دم و دستگاهى بسازند و عوام الناس را به بيغوله مخوف و هراس انگيز بى اعتقادى و باتلاقهاى فكرى خود بكشانند، از جمله حماسه بزرگ كربلا، باور به امام زمان(عج) و… به نظر حضرت عالى، حوزه هاى علميه، علما و طلاب، با چه سازوكارها و تدبيرهايى بايد اين حوزه و عرصه هاى حيات بخش و عزت آفرين را از هجوم خرافه پردازان در امان بدارند.  
استاد: در هر زمان از يك طرف بعضى خرافه ها منسوخ مى شوند و از سوى ديگر خرافه هاى جديد پديد مى آيند. مثلاً تا چند دهه پيش مقيد بودند نعل اسبى به دَرِ خانه هاى شان نصب كنند، تا براى شان خوش يمن باشد. امروزه اين خرافه برچيده شده; اما انبوهى از خرافه هاى جديد به وجود آمده است. بنابراين، وقتى به مردم فهمانديم كه فلان رفتارها خرافه اند و برچيده شدند، نبايد تصور كنيم كه خرافه در جامعه ريشه كن شد. تا وقتى كه جهل در جامعه هست و تا وقتى كه افراد غير مهذب و سوء استفاده كننده ها و نيز ساده دلان در جامعه هستند، نبايد انتظار ريشه كن كردن خرافه را داشت.  
در درجه اول كتابهاى متقن و محكم در امورى كه زمينه راهيابى خرافه را دارند، بايد نوشت. نمى توان از واعظ يا مداحى كه كتاب خوب در اختيار ندارد، توقع روضه صحيح داشت. همچنين لازم است كتابهاى خوب به زبان عربى، به فارسى ترجمه شوند. عموم مداحان فارسى زبان و بسيارى از واعظان ايرانى، به درستى نمى توانند از كتابهاى عربى استفاده كنند. در اين رابطه دانشنامه امام حسين(ع) كه با همكارى پژوهشكده دارالحديث تهيه شده و در آينده نزديك منتشر مى شود، بسيار كارساز خواهد بود. ان شاءاللّه.  
اقدام ديگر تقويت مراكز پاسخ به سؤالات دينى است. با در دسترس قرار گرفتن اينترنت، سيل سؤالهاى دينى به سوى اين مراكز، روز به روز در حال افزايش است. علاوه بر تجهيز مادى، بايد اين مراكز از جهت نيروى متخصص تأمين شوند. شنيده شده كه پاره اى پاسخهاى اين مراكز، از پختگى لازم برخوردار نيست. اگر پاسخ گويان اين مراكز از تخصص لازم برخوردار باشند، يكى از بهترين گامها براى مبارزه با خرافات خواهند بود. در غير اين صورت، ممكن است ابزارى براى ترويج خرافه ها شوند.  
نكته مهم ديگر يافتن راه صحيح براى مبارزه با خرافه هاست والا ممكن است نتيجه عكس بددهد، يا پيامدهاى ناشايست براى مبارزه كننده داشته باشد. برخورد با قمه زنى و سينه خيز رفتن به حرم اهل بيت(ع) نمونه خوبى است. اگر غير از مقام معظم رهبرى شخص ديگر در اين قضيه وارد مى شد، ممكن بود نه تنها اثر مثبت نگذارد و خود شخص را دشمن اهل بيت(ع) بخوانند، بلكه چه بسا تأثير عكس مى گذاشت و افرادى احساس مسؤوليت مى كردند و بيش تر اقدام به ترويج اين رفتارها مى كردند. بنابراين، براى مبارزه با اين معضل فرهنگى بايد شرايط خاص را در نظر گرفت.  
بعضى عملكردها، براى مقابله با اعتقادهاى نادرست، نادرست به نظر مى رسد. مثلاً در خبرها هست كه بعضى درختهاى تنومند و كهن با قدمت چهارصد ـ پانصد ساله را به دليل اعتقادهاى بيجا و آويزان كردن اشياء به آنها، قطع كرده اند. در حالى كه اين درختها براى تحقيقات علمى و حتى براى جلب توريست كارايى دارند. به جاى قطع آنها مى توان كار فرهنگى كرد و از نيروى انتظامى كمك گرفت.

حوزه: بى گمان در اين حركت بزرگ، يعنى روشن كردن مرز خرافه از حقيقت، مبارزه با خرافات، وقت گذاشتن و بررسى دقيق نقطه هاى خرافه خيز، در امان نگهداشتن آنها از هجوم و شبيخون خرافه پردازان و جلوگيرى از آلوده شدن جامعه و مردم به خرافه، مراجع تقليد، حوزه هاى علميه، علما و فضلا، بايد نقش مؤثر و مداومى ايفا كنند. آيا به نظر حضرت عالى، اين آقايان، توانسته اند در برابر اين پديده خطرناك، وظيفه و رسالت خود را به درستى انجام دهند.  
استاد: يك اصل كلى داريم كه هر امر دينى كه مورد توجه عموم مردم است، مانند قضيه عاشورا، امام زمان(ع)، امامزاده ها و حتى راه هاى معنوى براى رفع مشكلات، اگر علما و فضلاى حوزه در آن امور دخالت نكنند، به سرعت خرافه در آن بخش ريشه مى دواند. به عبارت ديگر در امورى كه علما و فضلاى برجسته دست مى گذارند، راه بر ورود خرافه ها تقريباً بسته مى شود. به عنوان نمونه خرافات در فقه راه ندارند; اما در قضيه عاشورا فراوان است.  
بايد توجه داشت كه براى مقابله با خرافه هايى كه رنگ و بوى دينى به خود گرفته اند، اساساً بايد روحانيون متخصص وارد ميدان شوند. زمينه پذيرش از غير روحانيها، هرچند متخصص باشند و تشخيص شان درست باشد، كم تر است و حتى ممكن است بعضى روحانيهاى كم سواد موضع گيرى كنند. در مورد برخورد نكردن بعضى روحانيون با خرافه ها علتهاى گوناگون مى توان برشمرد: مبهم بودن بعضى خرافه ها، افراط در احتياط، به دنبال دردسر نبودن، ترس از عوام، عدم توان تحليل عكس العملها، مصلحت نبودن، خرافاتى شدن بعضى روحانيون كم سواد و… .  
ييكى از ايرادات ما در نقل مطالب صحيح اين است كه گاهى شيوه بيان را نمى دانيم و زمينه را براى ترويج پاره اى از خرافه ها فراهم مى كنيم. ببينيد وقتى در مجلس عمومى از مسائل زناشوئى صحبت مى كنيم، اگر جانب زنها را گرفتيم، براى اين كه تأثير منفى نگذاريم، پشت سر آن، سخنى به نفع مردها هم مى گوييم; اما در مورد خرافه ها كم تر رعايت مى كنيم; مثلاً وقتى رؤيايى صادق را نقل مى كنيم، تذكر نمى دهيم كه اصولاً خواب امثال ما، حجت شرعى نيست و نبايد به آنها اعتنا كرد. يا اگر از كرامتى واقعى سخن مى گوييم، يادآورى نمى كنيم كه صاحب كرامت شدن بسيار مشكل است و احتياج به تهذيب نفس بسيار سخت دارد كه اكثر قريب به اتفاق مردم توان چنين تهذيب نفسى را ندارند و وقتى كسى به آن درجه از كمال رسيد، به فكر باز كردن دكان نمى افتد، تا چه رسد به اين كه سر و صدا راه بيندازد. همچنين اگر كسى صاحب كرامت شد، معصوم نيست، تا همه اقوال و افعال او حجت باشد. بارى، از كرامات آنقدر راحت صحبت مى كنيم و سطح صاحبان كرامت واقعى را چنان پايين مى آوريم كه هركس اينها را مى شنود، خيال مى كند يك تكان به خودش بدهد صاحب كرامت مى شود. لذا مى بينيم بعضى بدون درنظر گرفتن شرايط، از زندگى طبيعى و عادى دست مى كشند و سالها اين در و آن در مى زنند و چيزى نصيب شان نمى شود و گاه به انسانهاى خرافاتى تبديل مى شوند.

حوزه: تفكر منطقى، خردورزى، واقع بينى، جامعه دينى را از خرافه گرايى مصون نگه مى دارد، چه بايد كرد كه تفكر منطقى، خردورزى و واقع بينى گسترش يابد. از آن جا كه حوزه هاى علميه بايد طلايه دار و پيشاهنگ اين جريان والاى فكرى باشند و آن را نهادينه كنند و بگسترانند، بايد در حوزه ها، چه تحولاتى رخ بدهد، تا طلاب در اين جايگاه قرار بگيرند و ايفاى نقش كنند؟  
استاد: الف. يكى از كارهايى كه بايد انجام داد بالا بردن سطح سواد و دانش عمومى در جامعه است. چند ماه پيش، يكى از مسؤولان در پاسخ به سوالات در مصاحبه اى گفته بود كه: حجم مراجعه به اين مركز ـ اعم از طرح سؤال و مراجعه به سايت ويژه و… ـ در طول يك سال پنجاه برابر شده است. اين گزارش شگفت آور، نشانه رشد علمى جامعه است.  
ب. حدس مى زنم يك علت رشد خرافه در اين زمان، روآورى بيش تر به معنويات است. اما اين روآورى با اطلاعات مذهبى مردم هماهنگ نيست. بسيارى از مردم به دنبال معنويت مى گردند; اما نمى دانند معنويت در كجاست؟ چگونه مى توان در اين مسير گام برداشت؟ لذا گاهى افراد خوش طينت در دام منحرفان مى افتند. كسى كه خانه اش را مى فروشد و پول آن را به مدعى ارتباط با امام زمان(ع) مى دهد تا به دست امام برساند و در نتيجه گناهانش آمرزيده شود، چنين شخصى توجه شديد به معنويت دارد; اما چگونگى پيمودن اين راه را نمى داند. افراد متعدد را سراغ داريم كه ادعاى پيغمبرى و اخيراً حتى ادعاى خدايى كردند! و مريد جمع كردند.  
ج. شايد يكى از امورى كه تا حدى سبب شده راه بر ورود برخى خرافه ها باز شود، طرح موضوع تسامح در ادله سنن باشد. اين باور باعث شده كه از حساسيتها به پاره اى رفتارها كاسته شود. حال آن كه اين تسامحها حد و مرزى دارند. اين طور نيست كه هركس چيزى را به عنوان مستحب در دين وارد كرد، بتوانيم تسامح كنيم. در اين زمينه مطالبى اساسى وجود دارد كه در جاى خود بايد مورد بحث قرار گيرد.  
د. يكى از اقدامات لازم در حوزه ها گذاشتن دروس تخصصى حديث است. اگر طلبه اى صرفاً مشغول دروس رسمى حوزه باشد، پس از ده ـ پانزده سال، به درستى با منابع حديثى آشنا نخواهد شد. چنين شخصى چگونه مى تواند رفتارهاى مردم را با سنت پيامبر(ص) و اهل بيت(ع) تطبيق دهد؟  
هـ. حوزه در امورى كه مورد توجه مردم است، مثل تاريخ عاشورا و امام مهدى(ع) متخصص تربيت كند. در مورد امام مهدى(ع) اجمالاً كارهايى شده; اما در مورد عاشورا خير. در حالى كه توجه و نياز به قضيه كربلا بيش تر است; زيرا هر طلبه اى كه تبليغ مى رود ناگزير است كه از حادثه كربلا بگويد، هرچند در قالب روضه. همان طور كه اشاره كردم دانشنامه امام حسين(ع) تا حدود زيادى مى تواند اين خلأ را پر كند.  
و. چند كار ديگر نيز مناسب است. البته بعضى از آنها انجام شده، اما بايد توجه بيش تر به آنها شود: ترويج و تقويت كتابخانه هاى تخصصى، بانك اطلاعات تخصصى، نظارت بيش تر بر چاپ كتابها، نظارت بر سايتها، تهيه نرم افزارهاى كامل تر، احياى نسخه هاى خطى، حمايت از توليد كنندگان آثار قوى.

حوزه: از اين كه وقت گذاشتيد و به پرسشهاى مجله حوزه درباره خرافه و رسالت علما و حوزه ها در رويارويى با آن و پرهيز دادن مردم از اين باتلاق پاسخ گفتيد، كمال تشكر را داريم و از حضرت بارى براى جناب عالى موفقيت و بهروزى بيش از پيش را خواستاريم.  
استاد: موفق باشيد.

پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم